

ترجمه و شرح کتاب

www.keelab.ir
نفس‌شنا

شارح و مترجم: محمد حسین نائینی

ترجمه و شرح

کتاب نفس شفا

سرشناسه: نائیجی، محمد حسین، ۱۳۳۸ -

عنوان قرارداد: الشفاء الطبیعیات. النفس. فارسی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و شرح کتاب نفس شفا / شارح و مترجم محمد حسین نائیجی.

برشخصیات: رقم: انتشارات منظومه شمسی، ۱۴۰۰ / مشخصات ظاهری: ۶۲ ص.

شابک: ۹-۶۳-۹۷۱۴۵-۹۷۸-۱۲۰۰۰۰۰ / وضعیت فهرست نویسی: فیپا / یادداشت

کتاب حاضر شرحی بر بخش "الشفاء" اثر حسین بن عبدالله ابن سینا است /

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۱۹ / موضوع: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. الشفاء.

الطبیعیات. النفس -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. شفاء. برگزیده. شرح

رده بندی کنگره: BBR۵۰۹

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۲۴۸۶۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

عنوان کتاب: ترجمه و شرح کتاب نفس شفا

شارح و مترجم: محمد حسین نائیجی

ناشر: منظومه شمسی

چاپ: فاضل

نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰

شابک: ۹-۶۳۲-۹۷۱۴۵-۹۷۸-۶۲۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱۷	مقدمه
۱۷	تأثیر شناخت نفس در زندگی عملی
۲۰	چرا جناب شیخ رحمه الله بحث نفس را در طبیعیات جای داد؟
۲۱	تأثر بو علی رحمه الله از جناب ارسطو
۲۳	آرای اختصاصی بو علی رحمه الله
۲۵	بررسی اجمالی کتاب نفس شفا
۲۷	مقاله دوم در پنج فصل
۲۸	مقاله پنجم در ابصار
۲۹	مقاله چهارم در حواس باطنه و آن در چهار فصل است:
۳۰	مقاله پنجم در ویژگی‌های انسان و قوای وی
۳۲	درباره این ترجمه و شرح:
۳۳	فن ششم طبیعیات، کتاب نفس
۳۳	الفن السادس من الطبیعیات
۳۳	و هو کتاب النفس
۳۶	چرا نفوس نباتی و حیوانی و انسانی را در یک "فن" بحث می‌کنیم؟
	بخش اول: مقاله اولی از فن ششم طبیعیات
۳۹	فصل اول: در اثبات نفس و تعریف آن از آن رو که نفس است
۴۱	کلماتی که می‌توان بر نفس اطلاق کرد
۴۴	آیا از کلمه کمال می‌توان پی به جوهر بودن نفس برد؟
۴۷	اطلاقات موضوع و محل
۴۸	تفاوت بین عرض و عرضی و جوهر و جوهری مورد اشاره شیخ
۵۰	[تعریف نفس]
۵۱	[اشکالات بر تعریف نفس و پاسخ آن‌ها]
۵۷	[برهان انسان معلق در هوای طلق در اثبات نفس و بیان ماهیت]
۶۱	در ذکر اقوال قدما در باب نفس و حقیقت آن، و پاسخ آن‌ها پس گوئیم:
۶۱	فصل دوم: در ذکر اقوال قدما در باب نفس و حقیقت آن، و پاسخ آن
۶۷	تاریخچه عقاید در باب نفس
۷۱	پاسخ اقوال قدما
۷۲	پاسخ کسانی که نفس را متحرك ذاتی دانستند
۷۳	حرکت در کیفیت
۷۶	انتقاد نظریه‌ای که برحسب آن نفس محرك خود است
۸۰	(پاسخ قول به علیت نفس)

۸۲	 (آیا نفس عدد است)
۸۵	 شرح نقد نظریه فیثاغورسیان
۹۰	 آیا مدرک باید مشابه مدرک باشد
۹۲	 نقل کلام ارسطو در اینکه آیا نفس مرکب از عناصر است
۹۴	 پاسخ به اقوال کسانی که نفس را مزاج و یا تألیف می‌دانند
۹۹	 در اینکه نفس در مقوله جوهر داخل است
۹۹	 فصل سوم: در اینکه در مقوله جوهر داخل است
۱۰۰	 (مقایسه نفس و صورت نوعیه)
۱۰۱	 صورت نوعیه منشأ خواص و آثار
۱۰۲	 شرح مقایسه نفس و صورت نوعیه
۱۰۴	 اشکال بر جوهریت نفس حیوانی و قول به جوهریت نفس نباتی
۱۰۴	 نفس فصل محض اجناس است
۱۰۵	 (نفوس نباتی و حیوانی در انسان به ابهام موجوداند)
۱۱۰	 تکمیل بحث در جامع مزاج
۱۱۳	 در بیان اینکه کارهای مختلف نفس به دلیل قوای مختلف وی می‌باشد
۱۱۳	 فصل چهارم: در بیان اینکه کارهای مختلف نفس به دلیل قوای مختلف وی می‌باشد
۱۱۶	 قوای نفس
۱۱۹	 اختلاف افعال دلیل بر تعدد قوا
۱۲۰	 محسوسات مشترکه
۱۲۱	 اشکال بر تعدد قوا
۱۲۲	 پاسخ به اشکالات
۱۲۳	 ادله مرحوم شیخ برای اثبات قوای مختلف
۱۲۳	 آیا قاعده "الواحد" دلیل تعدد قواست؟
۱۲۵	 افعال مشترک و افعال مختص قوای سه‌گانه
۱۲۹	 در شمارش قوای نفس از راه تصنیف (و دسته‌بندی)
۱۲۹	 فصل پنجم: در شمارش قوای نفس از راه تصنیف (و دسته‌بندی)
۱۳۱	 تعاریف قوای نباتی و حیوانی، و انسانی و معنای غذا
۱۳۳	 قوای نفس نباتی
۱۳۶	 قوا و یا نفوس
۱۳۶	 کار قوا چیست؟
۱۳۶	 قوای محرکه و مدرکه نفس حیوانی
۱۳۷	 مرکز قوای حرکتی کجاست؟
۱۴۰	 عده‌ای تعداد قوه لامسه را چهار قوه می‌دانند

۱۴۰	مدرکات قوای باطنه
۱۴۲	نقل کلام فخر رازی در مدرکات حواس باطنه
۱۴۳	چگونه محل حواس پیدا شد؟
۱۴۴	تفاوت واهمه و حس مشترك
۱۴۷	قوای نفس ناطقه
۱۴۸	قوای عالمه و عامله و یا عقل نظری و عقل عملی
۱۵۱	حکمت عملی و حکمت نظری
۱۵۳	فضایل و رذایل
۱۵۴	تأثیر متقابل نفس و بدن
۱۵۸	قوای نظری و عملی دو چهره نفس
۱۵۹	غذای عقل نظری
۱۶۰	(مراتب عقل نظری)
۱۶۲	اطلاقات قوه
۱۶۴	اتحاد عاقل به معقول
۱۶۵	ارتباط تسخیری بین قوا
۱۶۸	چگونگی خدمت کیفیت های چهارگانه

بخش دوم: مقاله دوم از کتاب نفس و شفا در تحقیق قوای منسوب به نفس نباتی قوه غذایه

۱۷۳	فصل اول: در تحقیق قوای منسوب به نفس نباتی
۱۷۵	کار غذایه
۱۷۶	تفاوت قوه غذایه و نامیه
۱۷۸	علت توقف رشد و مرگ
۱۸۰	قوه مولده
۱۸۲	غایت قوای نباتی
۱۸۴	ترجمه متن: آیا غذایه آتش است
۱۸۴	حرارت غریزی چیست؟
۱۸۶	اشکال و پاسخ آن
۱۸۷	آلت قوه غذایه
۱۸۹	قوه نباتی موجود در بدن حیوان، بدن حیوان را می سازد
۱۹۳	در تحقیق اصناف ادراکات موجود در ما
۱۹۳	فصل دوم: در تحقیق اصناف ادراکات موجود در ما
۱۹۴	ترتیب بحث
۱۹۵	منافع قوا
۱۹۹	تثلیت انواع ادراکات و یا تربیع آنها

۲۰۱		اقسام لواحق
۲۰۲		اقسام کلی
۲۰۳		مراتب تجرد در ادراکات
۲۰۶		محسوس بالذات و محسوس بالعرض
۲۰۸		اثبات کیفیات محسوسه
۲۰۸		انکار کیفیات محسوسه به وسیله دیمقراطیس
۲۱۰		منکرین مطلق کیفیات محسوسه در خارج
۲۱۰		پاسخ اصحاب دیمقراطیس
۲۱۳		آیا نفس بدون آلات حسی قادر به احساس است
۲۱۵		متوسط (شفاف) مانع از احساس است
۲۱۷		آیا روح بخاری آلت ادراک است
۲۱۸		حواس به آلت‌های جسدی نیازمندند
۲۱۹		انفعال از راه حرکت انجام نمی‌پذیرد
۲۲۰		ادراک بالذات حواس و ادراک بالعرض آن‌ها
۲۲۳		نخستین حسی که حیوان می‌گردد، لمس می‌باشد
۲۲۳		فصل سوم: در حس لامسه
۲۲۴		علت ضرورت لامسه در حیوان چیست؟
۲۲۵		آیا حرکت برای حیوان ضرورت دارد.
۲۲۶		کیفیت‌های ملموس
۲۲۸		خاصیت کیفیات محسوسه چیست؟
۲۳۲		احساس درد و لذت چگونه است؟
۲۳۸		خاصیت لمس
۲۳۹		گسترش لامسه در بدن
۲۴۰		آیا قوه لامسه متشکل از چند قوه است؟
۲۴۳		آلت لامسه واسطه آن است
۲۴۷		در چشایی و بویایی
۲۴۷		فصل چهارم: در چشایی و بویایی
۲۴۸		آیا ادراک ذوقی به اختلاط اجزا با لعاب است و یا تکلیف به آن
۲۵۰		چگونه عفوصت (گلوگیری و یا دیشی) چشیده می‌شود
۲۵۰		انواع طعوم مذوق
۲۵۲		انسان در بویایی از حیوانات ضعیف‌تر است
۲۵۴		علت ناتوانی انسان در حس بویایی چیست؟
۲۵۴		واسطه در ادراک قوه شامه چیست؟

۲۶۱	در حاسه شنوایی
۲۶۱	فصل پنجم: در حاسه شنوایی
۲۶۲	شنوایی اشرف حواس
۲۶۳	شنوایی، به واسطه نیازمند است
۲۶۴	حرکت هوا علت صوت
۲۶۵	آیا صوت در خارج موجود است
۲۶۵	اقوال در حقیقت صوت
۲۶۶	دلیل دیگر بر وجود صوت در خارج
۲۶۸	تشخیص جهت صدا علت دیگری بر وجود صوت در خارج است
۲۷۰	قارع و مقروع
۲۷۲	پژواک
۲۷۳	آیا پژواک همان صدای اول است
۲۷۶	مطلب دیگر در تتمه و تکمیل مقاله
۲۷۶	آیا مباحث قدما امروز ضرورت دارد؟
	بخش سوم: مقاله سوم در ابصار در ضوء و شقیف و رنگ
۲۷۹	فصل اول: در ضوء و شقیف و رنگ
۲۸۰	اجسام شفاف و غیر شفاف
۲۸۳	اجسام بر دو قسمند:
۲۸۵	سخن جناب استاد در وجود رنگ‌ها
۲۸۹	در اقال و شبهات پیرامون نور و شعاع
۲۸۹	فصل دوم: در اقال و شبهات پیرامون نور و شعاع و در اینکه نور جسم نیست
۲۹۰	آیا نور ذرات ریز متحرک است
۲۹۲	ادله اصحاب شعاع
۲۹۳	ادله قائلین به حرکت نور
۲۹۴	نقد انتقال شعاع
۲۹۴	دلیل دوم و پاسخ آن
۲۹۵	انعکاس نور چیست
۲۹۶	آیا نور همان رنگ است
۲۹۷	بیان نظر کسانی که نور را ظهور رنگ می‌دانند
۲۹۸	آیا ضوء غیر از نور است
۳۰۱	معانی ظهور رنگ
۳۰۱	فصل سوم: در تتمه رذ مذاهب کسانی که مذهب قایلین به غیریت نور با رنگ ظاهر
۳۰۳	در صورتی ضوء عین رنگ است که رنگ بالفعل باشد

۳۰۷	درباره ظهور سرخی و سبزی
۳۰۹	پاسخ به قول کسانی که نور را ظهور رنگ دانسته‌اند
۳۱۱	تعریف نهایی ضوء و نور و لون و شفاف
۳۱۲	کیفیت اجسامی که دیده می‌شوند
۳۱۴	تقسیم اجسام از جهت رؤیت
۳۱۵	در رسیدگی مذاهبی که در رنگ‌ها و حدوث آن‌ها می‌باشد
۳۱۵	فصل چهارم: در رسیدگی مذاهبی که در رنگ‌ها و حدوث آن‌ها می‌باشد
۳۱۷	سبب سیاهی
۳۱۷	آیا سیاهی ریشه همه رنگ‌هاست
۳۱۸	آیا عناصر شفافند
۳۱۸	تولد و پیدایش سپیدی
۳۲۰	گاهی از کوبیدن جسم شفاف و اختلاط با هوا، سپیدی ظاهر می‌شود
۳۲۱	آیا تولد سپیدی تنها از راه نفوذ هوا در شفاف است؟
۳۲۲	سپیدی از سه راه به تدریج به سیاهی می‌رود
۳۲۵	هوا در امر سپید شدن مؤثر است
۳۲۷	جایگاه خلا
۳۲۸	جواب سخن کسانی که شفاف را قبول ندارند
۳۲۹	در مذاهب گوناگون در رؤیت و ابطال مذاهب فاسد به لحاظ واقع
۳۲۹	فصل پنجم: در مذاهب گوناگون در رؤیت و ابطال مذاهب فاسد به لحاظ واقع
۳۳۰	قول به خروج شعاع از ریاضیون است
۳۳۱	ادله اقوال
۳۳۵	نقل دلیل اصحاب شعاع و پاسخ آن
۳۳۹	پاسخ مذهب قایلین به خروج شعاع و طبیعی‌ها
۳۴۰	شیخ به شبهات وارد بر مذهب خویش پاسخ می‌دهد
۳۴۲	آلت بودن هوا
۳۴۴	اگر هوا آلت قرار داده نشود
۳۴۵	فرض این که شعاع خارج جوهری جسمانی شعاعی
۳۵۱	طرح اشکال
۳۵۵	در ابطال مذاهب ایشان که شامل اشکالات وارده بر مذهب آن‌هاست
۳۵۵	فصل ششم: در ابطال مذاهب ایشان که شامل اشکالات وارده بر مذهب آن‌هاست
۳۵۶	بررسی قول اصحاب شعاع
۳۵۹	تتمه اشکال
۳۶۱	اشکال دوم

۳۶۲	اشکال سوم بر اصحاب شعاع
۳۶۷	اشکالاتی بر اصحاب شعاع
۳۶۸	سوالاتی از انطباعی ها
۳۶۸	اشکال اصحاب شعاع بر انطباعی ها و پاسخ آن
۳۶۹	آیا دو بار دیدن پدیده‌ای ممکن است و یا خیر؟
۳۷۲	توجیه کوچکی تصاویر در آینه‌های متقابل
۳۷۳	توجیه اختلاف تصاویر آینه‌های متقابل
۳۷۴	توجیه مطلب به مذهب انطباعی
۳۷۷	فصل هفت: در حل اشکالاتی که ایراد نمودند و در تکمیل سخن در مبصرات
۳۷۸	شبهاتی که بر اصحاب انطباع وارد شده بررسی می‌شود:
۳۸۰	دلیل بر انطباع تصاویر در چشم
۳۸۰	توجیه درست نور مرئی در جلوی چشم در تاریکی
۳۸۲	اشکال در آینه چگونه‌اند؟
۳۸۴	عدم انطباع شکل در آینه در نزد برخی
۳۸۵	صورت سیاهی را منطبق در آینه دانستن و اشکال آن
۳۸۵	جواب دقیق
۳۸۷	کیفیت وجود تصاویر در آینه
۳۸۸	جواب مسامحی
۳۹۰	انعطاف شعاع از آب چگونه است
۳۹۱	از مشکل انکسار نور دیگران نیز باید پاسخگو باشند
۳۹۲	مرئی و رائی و ضوء و مرآت
۳۹۵	در اینکه چگونه یک چیز، دو چیز دیده می‌شود
۳۹۵	فصل هشتم: در اینکه چگونه یک چیز، دو چیز دیده می‌شود
۳۹۵	تصویر مرئی به توسط شفاف (هوا) رسیدن
۳۹۶	تصویر در کجا تشکیل می‌شود؟
۳۹۸	ساختمان کره چشم
۴۰۲	عوامل لوچی
۴۰۳	علت دوم لوچی
۴۰۴	سبب سوم لوچی
۴۰۷	حرکت ناموزون روح بخاری علت دیگر لوچی است
۴۰۸	سبب چهارم لوچی
۴۱۰	اشکال: چرا با انتقال روح بخاری تصویر یکتا باقی نمی‌ماند



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين

تأثیر شناخت نفس در زندگی عملی

شناخت انسان اهمیتی شگرف در تعیین مسیر زندگی فردی و اجتماعی دارد تا ما ندانیم که کیستیم و چرا هستیم و حقیقت ما چیست؟ نمی‌توانیم مسیر زندگی خویش را پیدا کنیم. اگر جستجو و تحقیق از خویش به آنجا رسید که انسان چیزی جز حیوان تکامل یافته نیست و حقیقتی جز ماده و احوال مادی ندارد، اصالت با حیوانیت انسان می‌شود، نتیجه آنست که مراد از انسان خوشبخت و سعادت‌مند آنست که نان و مسکن راحت و آرامی داشته باشد، و از راه بسیار آسان غذای خویش را به دست آورده، و تأمین دیگر خواسته‌ها و آرزوها نماید. مراد از علوم و غایت آن‌ها استفاده بهینه از طبیعت در مسیر خواست‌های حیوانی و سرگرمی‌های زندگی که خوشی وی را تأمین کرده و در چند روز زندگی گذشت ایام را احساس نکرده تا بتواند از سلامتی و طول عمر استفاده کرده تا مدت وی به سر آمده و وی راه دیار عدم گیرد.

روانشناسی امروز تنها جنبه حیوانی را مورد مطالعه قرار داده و از حرکات شرطی در صدد تحلیل روان انسان است، جز آنکه انسان به دلیل پیچیدگی تکامل یافته‌تر از حیوان بوده و مطالعه وی با تمام حیوانات دیگر تفاوت دارد.

روی‌آوری به جنبه‌های قوای حیوانی و تقویت آن به‌ویژه هدف قرار دادن آن در عرصه‌های

بین المللی نشانگر این فکر است. پی ریزی دم غیمتی و اخلاق اجتماعی معیشتی خاستگاهی جز همین اندیشه ندارد. امروز سازمان های اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی هدفی جز سرگرمی انسان و پر کردن اوقات فراغت وی ندارند.

تلویزیون و رادیو و مطبوعات و کتابهای گوناگون در این مسیر حرکت می کنند، و برای سرگرمی بیشتر تلاش می کنند.

با توجه به خاستگاه این روش جوامع الهی باید از آن پرهیز کنند و نادانسته در دام فریب این اندیشه نیافتند که انسان را حیوانی تکامل یافته می پندارند.

اگر در تحقیق و تکاپوی خود به آنجا رسیدیم که انسان مجرد بوده و از دیار مجردات می باشد، هدف از هبوط وی کسب کمال و رسیدن به خدا، و اتصاف به اسمای الهی است، برنامه های انسان عوض می شود، و این هدف اقتضای مسیری دیگر دارد. هرچه انسان به این فکر نزدیکتر می شود و یقین به آن پیدا می کند، در تن دادن برنامه هایی که چنین سعادت را تأمین می کنند، شایق تر است، بنابراین مردم براساس این اندیشه و پایبندی به آن دسته بندی می شوند.

تلاش مردم الهی برای فهمیدن حقیقت نفس و معرفی آن به دیگران از قدیم الایام نشانگر اهمیت آن در زندگی عملی و برنامه های روزانه است. به همین دلیل در معابد یونان باستان نوشته بود خود را بشناس و یا صاحب شریعت دین میل اسلام فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

اقوام گوناگون بشری به نحوی در این تلاش سهیمند. در خاور دور سرزمین خورشید گرفته تا غرب عالم مردانی برای فهمیدن خویش متحمل رنج های فراوانی گشتند. ریاضت کشیدن، تفکر و مراقبه و توجه و امثال آن ها برای شناخت این لطیفه ربانی بوده تا این کانال ارتباطی انسان با خدایش را لایروبی کنند.

فلاسفه الهی نیز به سهم خود، با ابزار عقل برای فهم آن کوشش کردند نتیجه تلاش آن ها شناخت "جوهریت" نفس و "تجرد" آن و یا مقام "فوق تجرد" نفس می باشد.

عده ای به این گمان واهی که روانشناسی جدید متکفل مباحث نفس است، و رفتارهایی را در بشر کشف کرده که قدما به کشف آن نایل نیامدند، مباحث نفس متفکرین و فلاسفه الهی را کهنه، و غیر قابل اعتنا می دانند، در حالی که محدوده روانشناسی امروز، چنانکه پیداست، حیوانشناسی انسان است. و رفتار حیوانی انسان را مورد مطالعه قرار می دهد. و یکی از مبانی مهم آن حرکات شرطی است. که حیوانات با آن شریکند. و نیز از ابزار تجربه که در محدوده حواس ظاهری است، سود می جوید، به همین خاطر نمی تواند انسان را به لحاظ انسانی تجربه کند، و در مورد آن نظر دهد. شناخت رفتارهای حیوانی انسان خود شأنی دارد. ولی شناخت انسان با تمام ابعادش نیست. گرچه سالیان اخیر شاهد دانشمندانی هستیم که این گردنه مهیب را می خواهند پشت سر بگذارند، و برای شناخت انسان از تجربیات درونی و شهودی کمک بگیرند، ولی این هدف تا در

مسیر حقیقی خود نیافتد همچنان به کندی پیش خواهد رفت.

با توجه به اینکه بشر مادی امروز به بن‌بست فکری و عقیدتی دچار شده و تحیر و سرگردانی، وی را در جهان لایتناهی بیچاره کرده زمان آن فرارسیده که آخرین قدم را بردارد و تجربیات هزاران ساله بشر را در خودشناسی ارج نهد و آن‌ها را دنبال کند، به همین دلیل کتاب شفا، یکی از گنجینه‌های گرانبهاست که بشر برای رهایی از بن‌بست یادشده به تفکر و تأمل فراوان در آن نیازمند است.

آنان که از تفکر و اندیشه در کلمات بزرگان فکر و نظر سر باز می‌زنند و همیشه به قدح و اشکال دست می‌یازند، بدانند که فطرت بشری اقتضا می‌کند که انسان در پی تحری حقیقت برآید و کورکورانه سخنان دیگران را تکرار نکند. اگر مردم غرب به صنعت و تکنولوژی از دیگران برترند، این برتری نمی‌تواند دلیل پیشرفت آن‌ها در زمینه‌های دیگر علوم و معارف باشد. پیشرفت تکنولوژی و صنعت ابزاری مادی دارد که از راه فکر و اندیشه در طبیعت به دست می‌آید، ولی شناخت نفس مسیر دیگری دارد که با آلات و ابزار مادی به آن نمی‌توان رسید. به همین خاطر نمی‌توان از تجربه درونی انسان که تاریخی به قدمت خود انسان دارد، و محصول مشاهدات و افکار و مطالعات ایشان است چشم پوشید، و با هیاهو و جنجال مردم تنگ‌نظر و مادی آن‌ها را به دور ریخت و از کسوت انسانی منسلخ شد.

ما بر این اعتقاد نیستیم که همه مسائلی که قدما در بحث نفس انسانی ابراز داشتند، صحیح و درست است، زیرا به یقین در عرصه آلات و ابزار حواس و چگونگی فعالیت‌های مغز، دانشمندان امروز به چنان وسعتی از دانش رسیده‌اند، که نتایج تجربیات گذشته‌گان در چگونگی کار حواس ابتدایی به نظر می‌رسد، ولی فلسفه، طبیعیات را به عنوان موضوع مسلم از علم تشریح می‌گیرد و مباحث عقلی خود را بر آن بنا می‌کند. چه بسا چگونگی کار عضو تشریح شده غلط از کار درآید، ولی نتیجه‌ای که از آن می‌گیرند، تغییر نکند، به همین دلیل ممکن است خواننده در کیفیت عملی برخی از حواس مسائلی را بیابد که با دانش امروز مطابق نباشد، ولی لزوماً به نتیجه‌ای که از آن‌ها گرفته می‌شود که از مقدمات تشریحی به عنوان اصل موضوعی استفاده شده، سرایت نکند، زیرا در بسیاری از مواظن آن نتایج در جای خود مقدمات عقلی دارد و مثال آن‌ها از تشریح آورده شده است.

ما در بحث نفس چند فکر اساسی داریم که هرگز مبتنی بر تشریح نیست، و بر تجربه درونی و شهودی و نیز مقدمات عقلی بدیهی متکی است. و همان برای مقصود ما کافی است، آن‌ها عبارتند از: نفس جوهر است.

مجرد می‌باشد.

لزوم ارتباط با ماورای طبیعت در فهم معقولات و حتی جمیع ادراکات... و دیگر امهات مسائل نفس که در این کتاب برهانی می‌شوند.